



## تبیین کارکرد ایمان و انگیزه‌های معنوی در خلاقیت نیروی انسانی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

محمد حسین حجتی<sup>۱</sup>

دریافت: ۱۴۰۲-۱۰-۴

پذیرش: ۱۴۰۲-۱۱-۶

### چکیده

پژوهش حاضر با موضوع نقش ایمان و انگیزه‌های معنوی در خلاقیت نیروی انسانی، در راستای آشکار نمودن اثرگذاری و تبیین نظری نقش و کارکرد ایمان و انگیزه‌های معنوی در خلاقیت منابع انسانی انجام گرفته است و با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، به این نتایج دست یافته است که ایمان و اعتقادات دینی به عنوان انگیزه درونی معنوی که جایگاه آن در نهان و درون انسان‌ها است مؤثرترین نقش در خلاقیت نیروی انسانی ایفاء می‌کند. و کارکرد زیاد در ایجاد، رشد و تقویت خلاقیت نیروی انسانی دارد. زیرا خلاقیت نیروی انسانی نیز به‌عنوان توان‌مندی خاص معنوی که در درون افراد می‌باشد، خاستگاه و جایگاه آن همانند ایمان، درونی بوده و منشأ درونی دارد. به این دلیل که هردوی آن‌ها از یک سرچشمه نشأت گرفته و از درون افراد می‌جوشد و از نوع نیرو و انگیزه‌های درونی-معنوی است که بایکدیگر عجین شده و گره خورده؛ باهمدیگر رابطه تنگاتنگ داشته و بر همدیگر مؤثر می‌باشد. در نتیجه ایمان و باورهای معنوی در خلاقیت نقش موثر و کارکرد جدی دارد. بنابراین کاربرد پژوهش حاضر در جوامع دینی، توجه دادن به بهره‌گیری از ایمان و گرایش‌های دینی و معنوی در جهت ایجاد و تقویت خلاقیت در نیروی انسانی برای توسعه و تکامل افراد و جوامع و رشد همه جانبه آن‌ها و نیز حرکت در مسیر تمدن‌سازی نوین اسلامی با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** ایمان، انگیزه، خلاقیت، نوآوری و نیروی انسانی.

نقش شفافیت اطلاعات در کاهش فساد اداری با رویکرد اسلامی

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت)؛ mohammadhosainhojjati@yahoo.com

## مقدمه

جهان پر از تحول، تغییر و دگرگونی‌های پی در پی، سریع و پرشتاب امروز و دنیایی سرشار از تغییرات و تحولات همه جانبه و محیط پر رقابت و ناپایدار، به وضوح و روشنی بیانگر این مطلب است که زندگی در چنین فضایی شدیداً رقابتی و حرکت همگام با رقیبان، درگرو استفاده صحیح و درست از منابع و نیروی انسانی ماهر، خلاق و متخصص است و آنچه اسباب تحقق مزیت رقابتی سازمان‌ها و جوامع را تضمین می‌کند، رشد و توسعه سازمان‌ها و جوامع را به دنبال دارد، نیروی انسانی با کیفیت، خلاق و پویا است و تنها با فکر و نیروی خلاق است که می‌توان خود را در جریان تغییرات و تحولات قرار داده، توسعه و شکوفایی جوامع را محقق نموده و از آن در جهت رسیدن به اهداف فردی، سازمانی و تعالی سازمانی و تکامل انسانی بهره گرفت. و برای رشد، ترقی و توسعه یک کشور و جامعه باید به خلاقیت و نوآوری در آن کشور توجه نمود و این کار شدنی نیست جز آنکه افراد جامعه و کشور، خلاق و با ابتکار بارآیند و تربیت شوند. زیرا در پرتو آفرینندگی و خلاقیت است که زندگی بشر رو به رشد و تعالی نهاده است. اگر خلاقیت نبود، بشر به این حد از توسعه و ترقی نمی‌رسید. پیشرفت و رفاه انسان‌ها مرهون خلاقیت‌هایی است که انسان‌های تلاشگر، سخت‌کوش و خلاق پدید آورده‌اند.

تفاوت انسان عصر حجر و انسان عصر فضا بر اثر خلاقیت‌های آنان است و شاید بتوان یکی از مهم‌ترین امتیاز و ویژگی منحصر به فرد انسان را خلاقیت و آفرینندگی او دانست که در این جهت یکی از صفات خدایی در او تجلی کرده است، در حالیکه حشراتی مانند: مورچگان، زنبور عسل و... کارهای بسیار شگفت‌انگیز و پیچیده انجام می‌دادند، اما با گذشت زمان هیچ تغییری در برنامه‌های شان ایجاد نگشته و طرز خانه و لانه ساختن آن‌ها همان‌گونه است که در ابتدای خلقت شان وجود داشته است. (ابوترابیان، ۱۳۸۲ش: ج ۱، ص ۱). بنابراین خلاقیت در زندگی همه انسان‌ها و جوامع و برای هر ملت و هر انسان یک نیاز ضروری و عامل بقاء و حیات است که باید هر روز و در هر کارش راه جدیدی را در پیش‌گیرد تا بتواند در این چرخه پر سرعت، و غیر ثابت، زندگی کند و ارزش‌ها و آرمان‌های خویش را زنده نگه دارد. (صداقت، ۱۳۹۵ش: ص ۱۱ و ۱۲). به این دلیل که تداوم حیات سازمان‌ها و جوامع مختلف همان-



طور که اشاره شد، به خلاقیت و نوآوری بستگی دارد. بدون تغییرات ناشی از خلاقیت و آفرینندگی، سازمان‌ها و جوامع نمی‌توانند خود را با تغییرات محیطی همساز و همگام سازد و دوام آورند. از این رو خلاقیت و نیروی انسانی خلاق، ماهر و نوآور هر سازمان و جامعه از عناصر اساسی سازمان‌ها و جوامع است که نقش بنیادین در توسعه و پیشرفت جوامع و کشورها ایفاء می‌کند. (مردان پور، ۱۳۸۷: ص ۱۹). با توجه به این درجه از اهمیت و ضرورت خلاقیت و نقش آن در زندگی بشر؛ مسئله و سوال اصلی و محوری که این تحقیق به پاسخ آن پرداخته و دغدغه مهمی که در اینجا وجود داشته این است: که آیا ایمان و انگیزه‌های معنوی، مثل دیگر عوامل مؤثر در خلاقیت، می‌تواند در خلاقیت نیروی انسانی نقش داشته باشد؟. آیا ایمان و انگیزه‌های معنوی که شالوده فکری جوامع دینی را می‌سازد و همواره به عنوان یکی از شتاب دهنده‌های مهم در جوامع دینی نقش ایفاء نموده و در مقاطع مختلف و گوناگون تاریخی پیشران جوامع در جهت تحولات، ترقی و توسعه بوده است، می‌تواند در خلاقیت نیروی انسانی نیز نقش ایفاء کند؟. پژوهش پیش‌رو در پی یافتن به پاسخ سوالات پیش‌گفته، در راستای آشکار نمودن اثرگذاری ایمان و انگیزه‌های معنوی در خلاقیت نیروی انسانی با تکیه بر منابع اسلامی و علوم انسانی است. و در صدد می‌باشد نقش ایمان و انگیزه‌های معنوی خصوصاً انگیزه‌های معنوی ناشی از باورهای اسلامی را باروش تحلیلی-توصیفی تبیین نموده و ثابت کند که ایمان و انگیزه‌های معنوی می‌توانند محرک و پیشران مؤثر و مهمی در خلاقیت نیروی انسانی باشد.

به دلیل اینکه ایمان و انگیزه‌های دینی و معنوی آنگونه که در دیگر ابعاد و زوایایی زندگی بشری نقش مهم داشته و اثرگذار بوده و همواره سبب تحول باور نکردنی و ترقی شگرف و بی‌مانند در عقب افتاده ترین جوامع شده و توانسته چنین جوامعی را در کوتاه ترین زمان به یکی از مترقی‌ترین و با فرهنگ ترین جوامع بشری به لحاظ فکری، سبک زندگی و رفتاری تبدیل نماید. می‌تواند در خلاقیت نیروی انسانی نیز نقش مهم و تاثیر جدی داشته باشد. بنابراین فرضیه مورد نظر در پژوهش این است که: انگیزه‌های معنوی ناشی از ایمان و اعتقادات دینی و مذهبی خصوصاً ایمان و انگیزه‌های معنوی برگرفته از باورها و اعتقادات اسلامی که در کوتاه ترین زمان و در میان مردم عقب افتاده و به دور از اندیشه، فرهنگ و دانش، چنان تحول

نقش شفافیت اطلاعات در کاهش فساد اداری با رویکرد اسلامی



بنیادین ایجاد کرد، می‌تواند تاثیر و نقش جدی در خلاقیت و خودشکوفایی نیروی- انسانی هم ایفاء کند.

### پیشینه تحقیق

با بررسی منابع علوم انسانی مانند: علوم روان شناسی، علوم تربیتی، علوم مدیریت و...، به این نکته پی می‌بریم که موضوع خلاقیت با عنوان و نام خلاقیت سابقه زیادی از کشف و طرح آن نگذشته است و بعد از نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی و طی سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۷، بود که در یک جریان علمی به‌رهبری گیلفورد (به طور دقیق علمی و تخصصی مورد مطالعه نظام‌مند قرار گرفت. (پیرخائفی، ۱۳۸۴ش: ص ۱۵). با آنکه زمانی طولانی از بررسی علمی و دقیق خلاقیت نمی‌گذرد، اما مباحث نسبتاً مشروح و مفصلی پیرامون آن در علوم انسانی با رویکرد های تربیتی، روان شناسی و مدیریتی انجام گرفته است. ولی با بررسی‌ها و پیگیری‌های انجام گرفته در منابع موجود مدیریت اسلامی (اعم از کتب، مقالات و پایان نامه‌ها)، می‌توان گفت که بحث در مورد خلاقیت با رویکرد اسلامی- مدیریتی سابقه چندانی ندارد، و مباحث ارائه شده کافی و کامل نمی‌باشد، کاستی‌ها و خلأهای زیادی وجود دارد که لازم است با همت محققان مسلمان این راه تازه آغاز شده با دقت و سرعت پیموده شود، تا در توسعه و تکامل جامعه دینی مسلمانان قدم‌های جدی و عملی برداشته شود و از پتانسیل و ظرفیت مؤلفه‌های ارزشی و دینی در عرصه‌های حیات دنیایی جامعه نیز بهره برداری کامل گردد و در راستای توسعه، ترقی و پیشرفت همه جانبه ملت‌ها و جوامع مسلمانان استفاده شود و تمدن درخشان اسلامی دوباره به شکوه و بالندگی و درخشندگی قرون اولیه خود بازگردد. جوامع گرفتار، متشتت و از هم گسیخته ملت های اسلامی را رهایی بخشیده و به عزت مندی و اقتدار واقعی شان برساند. که این کار با بهره گیری از تمام ظرفیت‌های موجود در شریعت و دین مقدس اسلام و منابع آن امکان‌پذیر و در دسترس جامعه اسلامی خواهد بود.

<sup>۱</sup>. Guliford.

## مبانی نظری تحقیق

### خلاقیت<sup>۱</sup>

واژه خلاقیت در زمینه های گوناگون و در معانی مختلف به کار برده شده است، حتی برخی صاحب نظران آنرا فاقد معنی مشخص و دقیق دانسته اند. (پرکان، ۱۳۹۱ش: ص ۲۱). عبارات متعددی هم چون مدیر خلاق، معلم خلاق، دانش آموز خلاق، هنرمند خلاق، کارمند خلاق، سازمان خلاق و... استفاده می شود ولی معنی خلاقیت در ارتباط با این افراد یکسان نیست. برای مثال ممکن است به کسی که درس را بهتر ارائه می دهد، معلم خلاق گفته شود، یا به کسی که سبک جدیدی را در نقاشی پایه گذاشته است نقاش خلاق اطلاق شود. (سامخانیان، ۱۳۸۱ش: ص ۱۲). به هرحال واژه خلاقیت در علوم انسانی که ترجمه واژه لاتین **creativity** است. (ژاویبی، ۱۳۸۶ش: صص ۸۹ و ۹۰). مانند بسیاری از مفاهیم دیگر دارای معانی لغوی و اصطلاحی است که در ذیل معنای لغوی و برخی از معانی اصطلاحی آن ذکر می گردد.

### خلاقیت در لغت

خلاقیت در فارسی به معنای ابداع، نوآوری، ایجاد و آفرینندگی به کار می رود. و به نوعی، خودشکوفایی است که در انسان ها به وجود می آید. (مردان پور، ۱۳۸۷: ص ۱۹). اصل کلمه خلاقیت (واژه عربی و مصدر جعلی و اسم مصدر) که ریشه آن خلق به معنای خلق کردن، آفریدن و به وجود آوردن است. و فرد خلاق شخصی است که دارای عقاید نو باشد. (دهخدا، ۱۳۷۳: ماده خلاقیت). کلمه خلاق در قرآن کریم نیز بکار رفته، خداوند متعال در قرآن مجید دوبار واژه خلاق را برای خویش به کار برده است در سوره مبارکه حجر فرموده است: **إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ**، (قرآن کریم، ۱۵: ۸۶). به یقین، پروردگارتو، آفریننده آگاه است! و در سوره یاسین چنین بیان نموده است: **أَوْ لَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ**

<sup>۱</sup>. Creativity.

وَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ، (قرآن کریم، ۳۶: ۸۱). آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفرید، نمی‌تواند همانند آنان [انسانهای خاک شده] را بیافریند؟! آری (می‌تواند)، و او آفریدگار داناست! واژه خلاق از نظر وزن صیغه مبالغه است ابن منظور در کتاب لسان العرب می‌نویسد: خلاق و خالق از صفات خداوند است، جایز نیست این دو صفت با الف و لام (الخلاق، الخالق) برای غیرخداوند استفاده شود، زیرا خداوند همه اشیا را پدید آورده است، بدون اینکه موجود باشند. اصل خلق به معنای تقدیر است و خلق به اعتبار تقدیر، چیزی است که وجود اشیا از آن است. خلق در عربی پدید آوردن چیزی است که نمونه سابق نداشته باشد، هر چیزی را که خداوند آفریده است، اولین آفرینش بدون نمونه سابق است. از این رو خداوند این صفت را برای خویش ذکر می‌نماید. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ص ۸۵). اما وقتی صحبت از خلق و یا آفرینش به معنی ایجاد می‌شود دو کاربرد دارد: خلق و آفرینش یک چیز یعنی همه اجزاء و مصالح -و مواد- آن نیز خلق شده است و همه اجزاء و ساختار باهم ایجاد شده و جدید است. کاربرد دوم خلاقیت و آفرینش؛ یعنی ابزار و وسایل و مصالح موجود در خلق جدید، از پیش وجود دارد و خلق تنها یک تغییر ساختار و چینش مجدد است. (میکانی، ۱۳۸۹ش: ص ۷۱). به عبارت دیگر: کاربرد و معنای اول خلاقیت، ایجاد یا تولید یک چیز از هیچ است که خلاقیت به این معنی و تعریف را می‌توان گفت که در حیطه توان انسان نیست و ساخت آن از عهده انسان خارج بوده است. (ژاوی، ۱۳۸۶: صص ۸۹ و ۹۰). اینکه خداوند تبارک و تعالی خالق است به همین معنی است که همواره می‌آفریند و خلق می‌کند و هر لحظه در کار خلق جدید است همان‌طور که قرآن کریم به این معنی اشاره می‌کند: يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ، (قرآن کریم، ۵۵: ۲۹). تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند از او تقاضا می‌کنند، و او هر روز در شأن و کاری است! یعنی خداوند هر لحظه در کار آفرینش و خلق جدید و مداوم جهان است.

اما طبق معنا و کاربرد دوم، خلاقیت به معنای سرهم کردن مجموعه ای است استثنایی و کاربردی با استفاده از عواملی که پیش از این در دسترس بودند. مثلا نویسندگان واژه‌ها را کنار هم قرار می‌دهد، کارگردان صحنه‌ها را کنار هم می‌چیند تا



به این ترتیب به پیکره‌ای واقعی دست یابد که آن را پیش از این در خیال خود داشت. (ژاویبی، ۱۳۸۶: صص ۸۹ و ۹۰).

### خلاقیت در اصطلاح

در اصطلاح برای خلاقیت تعاریفی متعدد و مختلفی از جانب صاحب نظران روان‌شناسی، تربیتی و مدیریتی با رویکرد های متنوع ارائه شده است و می‌توان گفت برای خلاقیت تعریف مورد اتفاق و اجماعی وجود ندارد بلکه هرکس با رویکرد خویش آن را تعریف نموده است. برخی محققین و تئوری پردازان، خلاقیت را با توجه به ویژگی‌های «فرد» تعریف می‌کنند. برای مثال فایندلی و لامسدن<sup>۱</sup> مفهوم خلاقیت را برای اشاره به ساخت شخصیت، ویژگی‌های هوشی فردی استفاده می‌کنند که وقت خود را صرف فرایند خلاقیت می‌کنند. روان‌شناسان گشتالتی و اخیراً روان‌شناسان شناختی تحقیقات خود را بر فرایند تفکر متمرکز نموده‌اند. (صداقت، ۱۳۹۵ش: ص ۲۶). به عنوان نمونه: گیلفورد خلاقیت را تفکر واگرا در حل مسئله می‌داند و به نظر او تفکر واگرا، تفکری است که در جهات مختلف سیر می‌کند. (منطقی، ۱۳۹۰ش: ص ۲۲). برخی خلاقیت را با توجه به محصول تعریف می‌کنند مانند اینکه گفته‌اند: خلاقیت عبارت است از شکل دادن و ارائه ایده جدید و مفید توسط فرد یا گروه کوچکی از افراد که با هم کار می‌کنند و یا خلاقیت شکل گرفتن ایده یا محصولی تلقی می‌شود که هم نو و هم مناسب (صحیح، مفید، با ارزش) باشد. (سلطانی، ۱۳۷۸ش: ص ۴۹). با توجه به تعاریف پیش‌گفته لغوی و اصطلاحی خلاقیت، در یک جمع بندی اجمالی، تعریف مفهومی<sup>۲</sup> خلاقیت را می‌توان تعریف ذیل در نظر گرفت: *خلاقیت فرایندی است که در نتیجه آن یک اثر جدید، اعم از ایده یا چیز نو و متفاوتی تولید می‌شود که برای افراد و جوامع ارزشمند است. این محصول که در عین تازگی، غیر*

<sup>۱</sup>. Findlay & Lumsden

<sup>۲</sup>. Conceptual definition

مرسوم است، از نیروی انگیزشی قابل توجهی برخوردار بوده است. تولید اخیر ممکن است کلامی یا غیر کلامی، عینی و یا ذهنی باشد. (منطقی، ۱۳۹۰ش: ص ۲۵). تعریف مفهومی اخیر، شاید یکی از مناسب ترین تعاریف خلاقیت در این بحث مورد نظر ما باشد که ضمن در بر گرفتن ابعاد شناختی، حاوی ابعاد انگیزشی و غیر شناختی خلاقیت نیز می باشد.

### نوآوری<sup>۱</sup>

نوآوری مهارتی است که با بسیاری همکاری های دیگر همراه است. و بیشتر جنبه عملی دارد و در حقیقت محصول نهایی عمل خلاقیت است، نوآوری می تواند در خط مشی ها، فرایندها، فنون نیز مانند فعالیت ها عملکرد و رفتارهای افراد رخ دهد. (آقایی فیشانی، ۱۳۷۷ش: ص ۱۶). نوآوری، فرایند اخذ ایده خلاق و تبدیل آن به محصول، خدمات و روش های جدید عملیات است. (رابینز، ۱۹۹۱م: تعریف نوآوری). خلاقیت و نوآوری آنچنان بهم عجین شده اند که شاید به دست دادن تعریف مستقلی از هر کدام دشوار باشد. اما برای روشن شدن ذهن می توان تفکیک قائل شد و گفت که: در حقیقت خلاقیت پیدایی و تولید یک اندیشه و فکرنو است در حالیکه نوآوری عملی ساختن آن اندیشه و فکر است. به عبارت دیگر خلاقیت اشاره به قدرت ایجاد اندیش- های نو دارد و نوآوری به معنای کاربردی ساختن آن افکار نو و تازه است. (آقایی فیشانی، ۱۳۷۷ش: ص ۲۶).

### ایمان<sup>۲</sup>

کلمه و واژه باور و ایمان که کلمه معادل لاتین آن: **“Belief”** و کلمه عربی آن: عقیده و اعتقاد است. عبارت از اذعان قلبی و علم و یقین جازم می- باشد. ([www.http://bavaryar.com](http://www.bavaryar.com)). واژه «ایمان»: باور دینی، به معنای گرویدن، باور داشتن و ایمن کردن است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵ش: ص ۱۴۶).

<sup>۱</sup>.Innovation

<sup>۲</sup>.Belief





و در اصطلاح عام به معنای آن است که اعتقاد آدمی در دل او جای گیرد و در آن شک و تردید روا ندارد و از گذر آن به نوعی امنیت و آرامش درونی برسد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۲۶). (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۱، ص ۴۵). ایمان (باور) در اصطلاح دینی، گرایش‌های درونی انسان را گویند که معنوی و فوق حیوانی است و بر پایه و مایه اعتقاد و اندیشه و فکر استوار است. (مطهری، ۱۳۹۳ش: ص ۱۱). ایمان (باور دینی) حالتی است قلبی و روانی که در اثر دانستن یک مفهوم و گرایش به آن، حاصل می‌شود و با شدت و ضعف هریک از این دو عامل، کمال و نقص می‌پذیرد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰ش، ص ۴۴۴). بدین سان، خاستگاه ایمان (باور دینی) راه یافتن یا گرایش درونی به یک مفهوم است. قوام و دوام ایمان - بر خلاف علم - به میل قلبی و اختیار است و از این رو می‌توان آن را «عمل قلبی اختیاری» دانست. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵ش: ص ۱۴۶). در (اصطلاح کلامی و عرفانی) ایمان (باور دینی) بمعنی گرویدن، تصدیق و وثوق و اطمینان و مقابل کفر است و بمعنی خضوع و انقیاد و تصدیق مطلق و ثبات و فضیلت نیز آمده است. (سجادی، ۱۳۷۳ش: ج ۱، ص ۳۶۵). به بیان دیگر کلمه باور (عقیده و ایمان) در نگاه عام از اصطلاحات مربوط به حوزه روان‌شناسی اجتماعی است که مباحث مربوط به پدیده روانی اعتقاد را از این حیث که دارای رفتارسازی اجتماعی است مطالعه می‌کند. و می‌توان گفت: در یک تعریف ساده و رسا، «باورها یا عقیده‌ها و ایمان اندیشه‌هایی هستند که فرد به درستی و حقانیت آن‌ها اعتقاد دارد.» در مفهوم وسیع‌تر، باورها دربرگیرنده شناخت یا دانسته‌ها، عقاید یا آیین است. در حقیقت باورها یک سری تفکرات هستند، که به زندگی معنا می‌بخشند. و راهنمای ما در تنگناها و مشکلات می‌شوند. باورها ادراک ما از هستی را می‌سازند. (<http://bavaryar.com>). با توجه به تعاریفی که برای ایمان و باور ذکر شده است. در مورد ایمان و باور می‌توان گفت: ایمان و باورها، گرایش و حالتی است درونی و روانی که بیشتر از دانستن و فراتر از علم و آگاهی و مرحله‌ای بالاتر از علم و آگاهی است که در جان آدمی رسوخ می‌کند و اعتقاد او را شکل می‌دهد. ایمان و باورها در واقع همان اعتقاد افراد است و حالتی است قلبی (درونی) و روانی که در اثر دانستن مفهوم و گرایش به آن، حاصل می‌شود و با شدت و ضعف هر یک از علم و گرایش، کمال و نقص می‌پذیرد. بنابراین باور و ایمان از انضمام دانش با گرایش

نقش شفافیت اطلاعات در کاهش فساد اداری با رویکرد اسلامی

حاصل می‌شود و قوام و وجودش نیز به همین گرایش و میل قلبی و درونی است. (پیروز و دیگران، ۱۳۸۵ش: ص ۳۲۴). تعریف پایانی یا اخیر که تعریف منتخب در این رساله است تعریفی است که بسیار نزدیک به تعریف حضرت آیت الله علامه محمدتقی مصباح یزدی می‌باشد. و در واقع همان تعریف ایشان با توضیحاتی اضافی می‌باشد که مورد گزینش و انتخاب قرار گرفته است. لازم است دقت گردد منظور از ایمان، اعتقاد و باور دینی، اعتقاد و گرایش به گزاره‌های دین مبین اسلام و باورهای اسلامی است یعنی باورهای که از اعتقاد و ایمان به گزاره‌های دین کامل و جامع اسلام در انسان مسلمان پدید آمده است. و همین‌طور باید خاطر نشان کرد که مراد از ایمان و باور، صرف ادعا اعتقاد و باور و صرف اطلاع داشتن از یک آموزه‌ی دینی و اسلامی نمی‌باشد. بلکه مقصود ما از باور در این تحقیق، جازم بودن و راسخ بودن شخص نسبت به باورها است و مراد ما از فرد باورمند، معتقد، مومن و متدین کسی است که علاوه بر معترف بودن زبانی به آموزه‌های دینی، حرف‌هایی که به زبان او جاری است در قلب او هم رسوخ کرده باشد و کاملا باورمندی به گزاره‌های دین اسلام، در آن فرد درونی شده باشد و نشانه‌های ایمان و باور در رفتار، کردار و عملکردش نمایان و مشهود باشد. در این صورت و در این وقت است که می‌توانیم بگوییم ایمان و انگیزه‌های معنوی نقش و تاثیر در خلاقیت نیروی انسانی دارد و می‌تواند خلاقیت در نیروی انسانی را ایجاد و تقویت نماید.

### انگیزه و انگیزش

انگیزه، میل به کار به خاطر همان کار است. اصولاً انگیزه زمانی ایجاد می‌شود که شخص کار را جالب، جذاب و رضایت‌آمیز ببیند و به انجام آن، علاقه‌مند گردد و از انگیزش کافی برخوردار باشد. (پرکان، ۱۳۹۱ش: ص ۶۲). انگیزه یکی از کاراثرترین و مؤثرترین ساحت‌های مهم و معنوی در وجود جانداران خصوصاً انسان می‌باشد. انگیزه در زندگی موجود زنده، جایگاه بسیار مهمی دارد و اولین عنصر تشکیل‌دهنده رفتار و از قوی‌ترین عاملی است که موجود زنده را به فعالیت وادار می‌کند و فعالیت او را در جهت خاص سوق می‌دهد. (گنجی، ۱۳۸۵ش: ص ۱۷۷). و حالتی خاصی در فرد



ایجاد می‌کند، حالتی را که انگیزه در موجود زنده به وجود می‌آورد، انگیزش می‌نامند. فرگوسن<sup>۱</sup> انگیزش را حالت های دورنی موجود زنده که منجر به تحریک، استمرار، انرژی و هدایت رفتار می‌شود تعریف نموده است. (رستگار، ۱۳۸۹ش: ص ۱۶۶). همانگونه که دائرةالمعارف بزرگ بریتانیکا در توضیح انگیزش هم آورده است: نیروهایی که بر یک فرد اعمال می‌گردد تا رفتار از او صادر شود، انگیزش است.<sup>۲</sup> (Britannica Encyclopedia ۲۰۰۸ edition). انگیزش، گویای عمل ارادی و دلخواه از سوی فرد است، فرد کارکن ممکن است بر آن شود تا سخت بکوشد و تلاش جانانه به عمل آورد، یا اینکه ممکن است صرفاً به کم‌ترین تلاش بسنده کند. پس فهم انگیزش، مستلزم درک آن نیروهای درونی است که به فرد توان می‌بخشد و او را در راستایی رفتاری که به عمل می‌آورد سوق می‌دهد. (میچل، ۱۳۸۹ش: صص ۲۳۳ و ۲۳۴). بنابراین انگیزش مفهومی است که با عوامل دورنی و بیرونی ارتباط پیدا می‌کند. این عوامل فرد را وادار می‌کنند تا رفتار خاصی اتخاذ کنند. (گنجی، ۱۳۸۳ش: ص ۵۶). با توجه به تعریف بالا از انگیزه و انگیزش، در واقع می‌توان یک تفاوتی را میان انگیزه و انگیزش بیان نمود و آن اینکه انگیزه اسم است و مربوط به نیاز انسان می‌شود. و انگیزش اسم مصدر از مصدر انگیختن که بیانگر یک نوع احساس و تمایل افراد را نسبت به چیزی بیان می‌کند. (گنجی، ۱۳۸۵ش: ص ۱۷۷). و یا می‌توان این‌طور بیان کرد که انگیزش به چرایی رفتار پاسخ‌گو است و به چرایی رفتار مربوط می‌شود و بیانگر علت کاری است که افراد انجام می‌دهند. (دوبرین، ۱۳۸۸ش: ص ۱۳۲). مثل این که: چرا دست به خلاقیت می‌زنیم؟ چرا خلاقیت اهمیت دارد؟ چرا یک فرد فعالیت می‌کند؟ چه عواملی شکل و نوع فعالیت را تعیین می‌کند؟ چرا فرد برای یک فعالیت، بیش از فعالیت دیگر، انرژی مصرف می‌کند؟ در واقع، بحث از انگیزش در رفتار، بحث از علت‌های رفتار است. (شعاری نژاد، ۱۳۹۰ش: ص ۴۹۸). انگیزش، گویای عملی ارادی و دلخواه از سوی فرد است. فردی که با رغبت و کمال

۱. Ferguson

۲. Britannica Encyclopedia ۲۰۰۸ edition

اشتیاق به انجام کارهای محوله می‌پردازد. یکی را به کسب ثروت وا می‌دارد و دیگری را در جهت خدمت به مردم سوق می‌دهد. (گنجی، ۱۳۸۵ش: ص ۱۷۷). به این معنی که افراد خلاق برای به فعل درآوردن ایده‌های خود بر انگیزته می‌شوند. و با انگیزه بالا به تلاش و کوشش در فعالیت‌هایش ادامه می‌دهند و برای بارور شدن خلاقیت شان وقت در نظر می‌گیرند. و باور دارند که: داشتن هوش بالا و صرف میل به خلاقیت برای رسیدن به خلاقیت و رشد آن کافی نیست. بلکه به گفته جواهر لعل نهرو نویسنده هندی: انجام کارهای بزرگ و ماندنی، احتیاج به زمان و پشتکار دارد. (مردان پور، ۱۳۸۷ش: ص ۱۹).

## تحلیل، بررسی و بیان یافته‌ها و نتایج

### نظریه‌ها و دیدگاه‌های خلاقیت

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد برای خلاقیت تعاریفی متعدد و مختلفی از جانب صاحب نظران روان‌شناسی، تربیتی و مدیریتی با رویکردهای متنوع ارائه شده است و می‌توان گفت برای خلاقیت تعریف مورد اتفاق و اجماعی وجود ندارد بلکه هرکس با رویکرد خویش آن را تعریف نموده است. همین‌طور در مورد خلاقیت نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلف هم وجود دارد. دیدگاه‌ها و نظریه‌ها نسبت به خلاقیت نیز بسیار متفاوت و متنوع می‌باشد. و در تبیین خلاقیت، نظریات و دیدگاه‌های مختلفی از دانشمندان و صاحب‌نظران ارائه شده است که هر یک از آنها فقط بیانگر بُعد از ابعاد مهم فراگرد خلاقیت است. (رضائیان، ۱۳۸۷ش: ص ۱۰۲). که در این میان یکی از نظریات و دیدگاه‌های مهم نسبت به خلاقیت نظریه و رویکرد انگیزشی درباره خلاقیت است که از بعد انگیزشی به خلاقیت پرداخته و ناظر جنبه درونی و انگیزه درونی فرد و متناسب با موضوع بحث در مقاله حاضر می‌باشد. مطابق این رویکرد و با توجه به بُعد انگیزشی خلاقیت؛ خلاقیت به عنوان یک توانایی درونی از جنس گرایش و انگیزش است که یکی از اجزایی اصلی آن تفکر خلاق است که فرد را بر آن می‌دارد، بدون آنکه الزاماً پاداش بیرونی وجود داشته باشد، از درون برانگیخته شود و به شکل مستمر و پیگیر به کار مورد علاقه‌اش بپردازد. (صادقی مال امیری، ۱۳۸۹ش: ص ۱۰۳). در واقع منظور از این جزء، اشتیاق و علاقه شدید به نفس کار است نه پاداش-



های بیرونی که بر انجام آن مترتب است. به این معنی وقتی افراد به وسیله رضایت درونی و چالش نهفته در بطن کار، برانگیخته می‌شوند، خلاق‌تر خواهند شد. و استعداد خلاقیت فرد تقویت و شکوفا خواهد گشت. (دوبرین، ۱۳۸۸ش: ص ۱۲۲).

### نظریه و رویکرد انگیزشی خلاقیت

چنانچه اشاره شد که اگرچه نظریات خلاقیت بسیار متنوع و گسترده است و این مقاله جای بحث از آن‌ها نمی‌باشد و باید در جای خودش بررسی گردد.<sup>۱</sup> اما نظریه‌ای متناسب با موضوع بحث ما، نظریه انگیزشی خلاقیت است که یکی از نظریات مهم در باب خلاقیت از میان نظریات مختلف خلاقیت می‌باشد. برابر این نظریه و رویکرد خلاقیت نوعی نیروی انگیزشی همراه با شور و اشتیاق برای دست یابی به آگاهی یا بصیرت است. این مطلب را عده‌ای از صاحب نظران روان شناسی و تعلیم و تربیت مورد تأیید قرار داده اند. در نظریه انگیزشی خلاقیت، انسان موجود یادگیرنده تلقی می‌شود که به واسطه شور و اشتیاق فراوان برای یادگیری می‌تواند مسائل و مشکلات خود را حل کند. از این دیدگاه میل به یادگیری همان تمایل به سوی ناشناخته‌ها، مبهمات و امور پر راز و رمزی است که همیشه زندگی انسان را جذاب و پر چالش کرده است. میل به کنجکاوی نوعی حالت روحی- روانی و پیش‌آمدگی را برای ارتباط بامحیط اطراف به‌شيوه خاص فراهم می‌کند. (جهانی، ۱۳۸۸ش: ص ۱۸). از آنجایی که منشأ میل و گرایش‌ها در درون می‌باشد و با سازوکارهای درونی این منشأ درونی تقویت یا تضعیف می‌گردد، ایمان و انگیزه‌های درونی-معنوی که خود نوعی از گرایش پر قدرت درونی است، طبق این رویکرد خود به‌عینه همان توانایی ذهنی فرد است که شکل دهنده و سازنده انگیزه خلاقیت بوده و درحقیقت بن‌مایه و مؤلفه اساسی خلاقیت می‌باشد که حتی می‌توان اتحاد این گرایش‌ها را ادعا نمود و یا حداقل خاستگاه و سرچشمه واحد برای آن‌ها که همان درون و ذهن افراد است را مفروض و مسلم دانست. چنانکه آمابلی در یکی از بررسی‌هایی که در زمینه خلاقیت، ابعاد و

۱. برای آگاهی کامل از دیدگاه و نظریات در مورد خلاقیت مراجعه شود به: پایان نامه، تبیین نظری نقش باورهای اسلامی بر خلاقیت نیروی انسانی.

وجوه مختلف آن داشت، دریافت که انگیزه در پدیدآیی کارهای خلاق، از نقش پر اهمیتی برخوردار است. وی در توصیف خود از این مسئله یادآور می‌شود: بدون آن جریقه درونی «انگیزه» امکان خلاقیت وجود ندارد. (آمالی، (۱۹۸۹)، ترجمه: حسن قاسم زاده و پروین عظیمی، مبحث انگیزه، ۳۶۸ ش).

### ایمان درونی و انگیزش معنوی و نقش آن در خلاقیت

با توجه به این نکته که انگیزه از بنیان‌های اساسی و ساختاری در ایجاد خلاقیت است و یکی از پایه‌های بنیادی ایجاد خلاقیت وجود انگیزه خصوصاً انگیزه‌های معنوی و درونی از قبیل ایمان به‌هدف و آرمان، تعالی طلبی و تکامل خواهی، تأمین نیاز و ارضاء حس زیبایی طلبی و مطلوب بودن اشیاء می‌باشد، در این قسمت از بحث توجه محققین گرامی و ارجمند را به مباحثی ذیل جلب می‌نمایم.

### ایمان و انگیزش عامل تحرک، پویایی و تکامل

همان‌گونه که اشاره شد از عناصر مهم و اساسی خلاقیت و نیز عامل تحرک افراد و جوامع به سوی پویایی، تعالی و تکامل، انگیزه و به عبارت خاص ایمان و اعتقاد است. ایمان، اعتقاد و انگیزه عامل مهم درونی است که حرکت را به دنبال دارد و می‌تواند: ایمان به آرمان و هدف، تعالی و تکامل و یا حس زیبایی طلبی و مطلوبیت خواهی و یا ارضاء و تأمین نیازها و ... باشد که باعث می‌شود وجود افراد لبریز از انگیزش، گرایش و حرکت به سوی موضوع یا شیء خاص شود. زیرا انگیزه فعالیت‌ها را بر می‌انگیزد، به آن تداوم می‌بخشد و جهت کلی رفتار فرد را تعیین می‌کند. تحرک، پویایی و تکامل افراد و جوامع را در پی دارد. برای توضیح بیشتر مطلب، به چند پرسش در ضمن بیان ذیل دقت نماید: تقریباً، همه‌ی ما بخش اعظم زندگی خود را در محیط‌های سازمانی سپری می‌کنیم. و کارکنانی را در سازمان‌ها مشاهده می‌کنیم که نسبت به انجام وظایف شان خیلی سخت کوشی بخرج می‌دهند؛ و با اشتیاق تمام در پیشبرد آن، همت می‌گمارند و بازده بالای در سازمان دارند. و از طرفی هم یک عده از کارکنان و منابع انسانی هستند که نسبت به انجام وظایف شان تمایل و رغبتی کمتری نشان می‌دهند و بازده مطلوبی در سازمان ندارند. این تفاوت‌ها را چگونه باید توضیح داد؟ چرا بعضی از کارکنان رفتارهای متفاوت دارند و یا چه عواملی موجب پیدایش این تفاوت‌ها می‌شوند؟ چرا یک فرد، فعالیت می‌کند؟ چه عواملی شکل و نوع



فعالیت را تعیین می‌کند؟. چرا فرد برای یک فعالیت، بیش از فعالیت دیگر، انرژی مصرف می‌کند؟. (شعاری نژاد، ۱۳۹۰ش: ص ۴۹۸). برای پاسخ به پرسش‌های فوق، یادآوری این نکته ضروری است که: همهٔ این تفاوت‌ها به وجود داشتن و نداشتن انگیزه، خصوصا انگیزه درونی در افراد و کارکنان مربوط است. که این انگیزه درونی می‌تواند انگیزه معنوی، ایمان و اعتقاد به آرمان، هدف و تعالی باشد یا مطلوبیت و پیش‌بینی یا تأمین نیاز و... این جاست که موضوع ایمان و انگیزش و اثرگذاری آن، در عرصه کار و زندگی مطرح می‌شود و ما را به این مطلب مهم رهنمون می‌سازد که: در حقیقت این گرایش و انگیزه‌های درونی افراد است که باعث می‌شود، شخص کارها را بدون اجبار و فشار بیرونی انجام دهد. و نشان دهنده این امر است که فرد انجام دهنده کار، یک نوع رغبت و تمایل درونی خاصی نسبت به آن دارد و از آنجایی که خلاقیت هم یک پدیده‌ی دورنی است و از تفکر و گرایش درونی نشأت می‌گیرد و خاستگاه هر دو یعنی: خلاقیت و انگیزه در درون افراد است، ایمان و انگیزه را می‌توان نیرو و موتور محرکه خلاقیت دانست. به دلیل اینکه ایمان و انگیزه است که انسان را به تلاش و جستجوی راه حل برای یک مسئله سوق می‌دهد. اگر انگیزه‌ای در فرد نباشد هیچ وقت بدنبال راه حل نخواهد رفت. در یک کلام می‌توان اذعان نمود که انگیزه و ایمان عامل بسیار مهم و اساسی در خلاقیت محسوب می‌شود. و این انگیزه عجین شده با ایمان است که باعث برانگیختگی<sup>۱</sup> و انتخاب<sup>۲</sup> می‌شود. افراد و جوامع را به‌تحرک جدی، رشد، پویایی و تکامل وادار می‌نماید. در واقع، بسیاری از تلاش‌های فکری و آثاری که از سوی افراد تولید می‌شود، همگی به انگیزه خلاق نیازمندند. عملکرد انگیزه خلاق و ایمان به هدف، بسیار فراتر و والاتر از حد طبیعی و متعارف انگیزه انسان‌ها است. حتی در اینجا می‌توان ادعا کرد که مناسب‌تر کاربرد کلمه: «اشتیاق» یا «ایمان»، بجای واژه انگیزه می‌باشد. به دلیل اینکه نقش گرایش و انگیزه درونی که ترکیب یافته و بافته شده با اعتقادات و ایمان افراد است، بیشتر از انگیزه

<sup>۱</sup>. Arousal

<sup>۲</sup>. Choice

بیرونی است و انگیزه درونی از عوامل اساسی و مهم در خلاقیت می‌باشد. زیرا خلاقیت بنیان انگیزش درونی دارد و حفظ خلاقیت در گرو حفظ انگیزه درونی افراد است. فرد خلاق در انجام یک وظیفه، زمانی مبادرت به خلق افکار ابتکاری خواهد نمود که برای این کار محرک کافی داشته باشد. این محرک جز تحریک درونی فرد و انگیزش نیست که کارش برانگیختن به معنی حرکت دادن است که محرکش گرایش درونی و انگیزه می‌باشد. به بیان دیگر انگیزش به عنوان یک نیرویی انرژی زا تحریک کننده، جهت دهنده و تداوم دهنده رفتار عمل می‌کند. (دوبرین، ۱۳۸۸ش: ص ۱۳۲). بنابراین، می‌توان انگیزش را با نیروها یا سابق‌هایی همراه دانست که ظهور یک رفتار را ممکن می‌سازند و آن را طوری هدایت می‌کنند که پاسخ‌گوی نیازها یا شرایط باشد. به بیان ساده‌تر ایمان و انگیزش نیرویی است که فرد را در جهت اتخاذ یک رفتار خاص سوق می‌دهد و تحرکی است که کارمند یا کارگر را در عملش هدایت می‌کند و او را وادار می‌کند تا به شیوه خاصی وارد عمل شود. (گنجی، ۱۳۸۳ش: صص ۵۶ و ۵۷). چنانکه از میان کارشناسان آماییل (۱۹۹۰) نیز معتقد است که انگیزه‌ی درونی افراد دارای اهمیت بیشتری در خلاقیت است. اگر افراد ابتدا به کار خویش علاقه داشته باشد و با لذت و رضایت وارد کار شوند می‌توانند خلاقیت بیشتری از خود نشان دهند. بنابراین اهمیت و ارزش انگیزه درونی در تحقیقاتی که در زندگی نام آوران، نویسندگان، دانشمندان و هنرمندان به عمل آمده است، مشخص می‌گردد. مدیران و مربیان نیز می‌توانند بر روی انگیزه و انگیزش افراد و زیردستان بیش از دیگر عوامل و مؤلفه‌های خلاقیت تأثیرگذار باشند. (محمدی، ۱۳۸۴ش: ص ۱۶۱).

#### رابطه ایمان و انگیزش با خلاقیت

همان گونه که اشاره شد از عناصر مهم و اساسی خلاقیت انگیزه است. انگیزه عامل مهم درونی است که می‌تواند: ایمان به آرمان و هدف، تعالی و تکامل و یا حس زیبایی طلبی و مطلوبیت خواهی و یا ارضاء و تأمین نیازها و ... باشد که باعث انگیزش، گرایش و حرکت انسان به سوی موضوع یا شیء خاصی می‌شود. زیرا انگیزه فعالیت‌ها را بر می‌انگیزد، به آن تداوم می‌بخشد و جهت کلی رفتار فرد را تعیین می‌کند. در اصل انگیزه، ایمان یا نیاز، موتور اصلی رفتار و عمل می‌باشد. (سیدجوادین، ۱۳۹۳ش: ص ۱۴۳). انگیزه به عنوان موتور اصلی عمل و انگیزش، توسط: نیاز، همان -





گونه که: شماری از صاحب نظران مدیریت معتقدند و گفته اند: انگیزش تمایل به انجام کار و در گرو توانایی فرد است تا بدان وسیله نوعی نیاز تأمین شود. (پرکان، ۱۳۹۱ش: ص ۱۱۴). یا آرمان، یا ایمان و مطلوبیت در وجود انسان ایجاد می‌شود و شکل می‌گیرد. نکته‌ای مهم و حائز اهمیت این است که: در میان همه‌ی اسبابی که ایجاد انگیزش می‌کند، ایمان راستین و اعتقاد راسخ به هدف و آرمان، تعالی و تکامل از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین پایه‌های درونی شکل‌گیری انگیزه و انگیزش و در نتیجه خلاقیت می‌باشد و می‌توان گفت که رابطه مستقیم با خلاقیت نیروی انسانی دارد، زیرا از مهم‌ترین زیرساخت‌های خلاقیت به شمار می‌آید. به بیان دیگر چه انگیزه درونی باشد مانند لذت بردن از کار، یا ایمان به هدف، تعالی و تکامل؛ یا بیرونی باشد مانند: حقوق و دستمزد برای آن کار؛ عامل مهمی در بروز خلاقیت و شکوفایی آن و از مؤلفه‌های اساسی خلاقیت می‌باشد. میزان انگیزه در فرد، می‌تواند در مجموع، میزان خلاقیت وی را رقم بزند؛ یعنی رابطه عمیق و محکمی بین انگیزه خصوصاً انگیزه های معنوی، ایمان و اعتقاد با خلاقیت برقرار است. به طوری که اگر از انگیزه به عنوان عامل سوخت تعبیر نمایم و برای نقش انگیزش در خلاقیت افراد بگوییم: انگیزش مثل عامل سوخت (بنزین و...) برای حرکت درآوردن موتور ماشین است؛ اغراق نکرده ایم. چون انگیزش در واقع به منزله یک نوع سوخت‌رسانی به درون افراد خلاق محسوب می‌شود که اگر این عامل (انگیزش) نباشد بطور قطع نمی‌توان ادعا کرد که فرد خلاق است چرا که عامل به حرکت درآورنده و نیروی محرکه‌ی وجود ندارد تا فرد را وادار به تفکر و اندیشه برای حل مسئله نماید.

نقش شفافیت اطلاعات در کاهش فساد اداری با رویکرد اسلامی

### تحلیل و چرایی رابطه ایمان و انگیزش با خلاقیت

برای فهم و تحلیل چرایی رابطه ایمان و انگیزش با خلاقیت، ضروری است، دقت و توجه کافی شود به این که: خلاقیت به عنوان شکلی از توان ذهنی، که با نگاه متفاوت به یک مسئله راه حل جدیدی ارائه می‌دهد و آن را به صورت سودمند و مؤثر حل می‌کند، چیزی فراتر از هوش و همگرایی اندیشه است که بر ساخت ها و پایه های مانند: انگیزش درونی، ایمان و اعتقاد استوار و پابرجا می باشد. در حقیقت این انگیزش به صورت عام و ایمان و اعتقاد به خداوند، عالم غیب، قیامت، حساب، کتاب و

اعتقاد به هدف‌مندی عالم و انسان است که موجب پیدایش و ایجاد خلاقیت که خود یک توان ذهنی است می‌گردد و از سازه‌های مهم خلاقیت می‌باشد البته باید توجه داشت که تکمیل این چرخه تنها با مکانیزم درونی کردن امکان‌پذیر می‌باشد. و دورنی کردن<sup>۱</sup> فرایندی است که از طریق آن، فرد عقاید، ارزش‌ها، یا روش فکرکردن فرد دیگری را می‌پذیرد و در واقع به فرایندی اشاره دارد که فرد از طریق آن، تنظیم یا ارزشی را که قبلاً به صورت بیرونی تجویز شده است، به ارزش دورنی تبدیل می‌کند. دورنی کردن به عنوان یک فرایند، گرایش فرد را به پذیرفتن داوطلبانه ارزش‌ها و تنظیم‌های دیگران (یا جامعه) و ادغام کردن آن‌ها در خود (self)، نشان می‌دهد. (رئو، ترجمه: محمدی، ۱۳۸۵: ص ۱۳۰). چنانچه اگر ایمان و اعتقاد و پذیرش دورنی در فرد وجود نداشته باشد و دورنی کردن باورها درست و صحیح انجام نشده باشد و فرد از درون خود چیزی را باور نکند، ایمان و اعتقاد به آن نداشته باشد و برخلاف باوری که دارد عملکرد و رفتارش از سر ناچاری، بخاطر فشار محیط و جو اطراف و اطرافیان و عوامل دیگر و برخلاف میل دورنی و اعتقاد آن فرد باشد، نه تنها رضایت مندی و انگیزش که موتور محرکه و قلب طپنده خلاقیت و عملکرد انسانی است؛ از وجودش رخت بر می‌بندد و از بین می‌رود که حتی برعکس، چنین فردی در وجودش احساس سرخوردگی نموده و ناهم‌خوانی باورهای دورنی اش با عملکرد و رفتارهای بیرونی اش او را به نوعی تعارض شخصیتی و پارادوکس دورنی جدی مواجه می‌سازد، که در نتیجه نه تنها به شکوفایی استعدادها و خلاقیتش نمی‌انجامد که حتی موجب تضاد و تعارض شخصیتی می‌گردد و دچار تنش دورنی شده، ریشه‌ها، زمینه‌ها و توان خلاقیت را در وجودش می‌خشکاند و زمینه‌های پرورش و ایجاد خلاقیت را کاهش و یا نابود می‌کند و تمرکز ذهنی فرد و خودباوری اش را از میان بر می‌دارد و تلاش‌های فکری و ذهنی افراد را پراکنده، متشتت و شخص را سر در گم و مختل می‌سازد و در نهایت حتی ممکن است به سلامت ذهنی و فکری فرد نیز آسیب جدی وارد نماید. اما اگر دورنی کردن انجام گردد، عملکرد و رفتارهای فرد هماهنگ با عقیده و باورش

<sup>۱</sup> internalization



باشد و باورهای اسلامی در نهان و درون فرد نهادینه و عجین گردد و فرد احساس کند، تعهد به تکالیف و راهنمایی‌های شریعت برایش رهایی بخش، نجات دهنده و سعادت آفرین و خیر است و یا احساس کند که با دیگری (تکیه گاه محکم و مهربانی) ارتباط عاطفی دارد، و باور داشته باشد که او واقعا به رفاه و سعادت وی اهمیت می‌دهد، در این فرض رابطه‌عالی است و درونی کردن با اشتیاق روی می‌دهد و باورهای اسلامی در روح و روان انسان حلول می‌کند جاری و نهادینه می‌شود و در این حالت است که باورهای دینی سبب می‌شود تا انسان خود را به عنوان یک موجود متعهد، مسئولیت پذیر و ارزشمند بداند و با خودباوری کامل و اعتماد به نفس و باورمند به پشتوانه لایزال، استعدادها و توانایی های خلاقانه اش را شکوفا سازد.

### یافته های بحث و نقش ایمان و انگیزش در خلاقیت

با نظر به آنچه گذشت و بررسی متون دینی و نیز عنایت به شناخت طبیعت انسان، می‌توان گفت از دیدگاه اسلام ایمان و انگیزش از زیر ساخت ها و مؤلفه های اساسی خلاقیت است، اگرچه ایمان با عنوان: نوعی درک، دانش و انگیزش خود می‌تواند به صورت مستقیم از مؤلفه‌های خلاقیت باشد. اما باورها و ایمان علاوه بر این نقش، به قول امام علی(ع) سازنده و تزریق کننده صفاتی مانند: علم خواهی، بی‌باکی، انعطاف پذیری، آرامش و اعتماد به نفس و انگیزش و اهداف روشن در وجود نیروی انسانی است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۲۶). که هر یک از این موارد، از مؤلفه‌های شناخته شده‌ی خلاقیت مطابق یافته‌های محققانی مانند: پرکینز،<sup>۱</sup> فیست،<sup>۲</sup> سیلویا،<sup>۳</sup> هستند. (علیگلی و ساجدی، ۱۳۹۴ش: ص ۷۶). از طرفی هم، عنصر انگیزشی به عنوان مؤلفه مهم باورها در اسلام، پیوند محکمی با بینش و معرفت که از ارکان اصلی ایمان و باورها است، دارد؛ یعنی هرچه بینش فرد در توحید الهی و خدا باوری یکپارچگی بیشتری می‌یابد، بر نفوذ و شدت انگیزه در جریان امور زندگی نیز افزوده

<sup>۱</sup> Perkins.

<sup>۲</sup> Gregory j. Feist

<sup>۳</sup> Paul j. Silvia

می‌شود. (رمضانی، ۱۳۸۸ش: ص ۴۵). در نتیجه با رشد کردن و شدت یافتن جریان انگیزه در وجود نیروی انسانی؛ همان‌طور که بیان شد- که انگیزه موتور محرک خلاقیت است- جریان سیال رود خلاقیت در نیروی انسانی شکل خواهد گرفت و جریان خواهد یافت که در این میان، باورهای اسلامی و نیروی ایمان نیز به عنوان انگیزه معنوی و درونی قوی تر از انگیزه‌های مادی، همان نقش را به عهده دارد و محرک خلاقیت می‌باشد و به صورت توان افزا انگیزه‌های فردی و ایمان، برتجلی خلاقیت در نیروی انسانی تأثیر فراوانی می‌گذارد. به دیگر بیان انگیزه‌های ترغیب کننده خلاقیت و سازنده خلاقیت که نقش جدی در خلاقیت دارند در یک تقسیم بندی به انگیزه‌های مادی و معنوی. (جمعی از علماء، ۱۳۷۵ش: ص ۹۳). و انگیزه‌های درونی و انگیزه‌های بیرونی. (ال ساعتی، ۱۳۸۶ش: ص ۶۶). قابل دسته بندی اند که از میان این اقسام، انگیزه‌های درونی و معنوی اثرگذاری و نقش بیشتری دارد و عبارتند از انگیزه‌هایی که از درون انسان خلاق، و باورهای او می‌جوشند، و موتور محرک او به سوی هدف اند. زیرا باور و ایمان به حضور نزدیک خداوند در زندگی، علاوه بر ایجاد آرامش، اعتماد به نفس و سلامت روان و سلاست فکر، موجب یکپارچه سازی نظام شخصیتی و انگیزشی می‌شود. (جان بزرگی، ۱۳۸۶ش: مقاله جهت گیری مذهبی و سلامت روان). زیرا هویت یابی، هدف مداری، حرمت به خود خود (عزت نفس) و تقویت انگیزه از نتایج مسلم و قطعی باورها و ایمان راستین است. از این رو محققانی مانند: کندی و کانتامانی<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) ادواردر و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) و وینک و میشل<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) و دیگران، معنویت و باورها را از عوامل تقویت کننده مهم ایده‌ها و عملکرد خلاقانه ارزیابی کرده‌اند. (علیگلی و ساجدی، ۱۳۹۴ش: ص ۹۳). رسول خدا(ص) نیز در بیان نورانی به حضرت امیر(ع) فرمودند: یا علی(ع) از دو خصلت بپرهیز، بی حوصلگی و تنبلی، که چون بی حوصله شوی، هیچ حقی را نمی‌پردازی و چون تنبل باشی، حق هیچ چیز را ادا نمی‌کنی. (طبرسی، ۱۳۹۲ه ق: ص ۵۰۲). با

۱. J.E. Kennedy and H. Kanthamani

۲. A. Edwards N Pang V Shiu C Chan.

۳. Wink Paul Dillon Michele



دقت در بیان نورانی پیامبرگرامی اسلام(ص) به این نکته می‌رسیم که بی‌حوصلگی و تنبلی که ناشی از عدم انگیزش است موجب می‌شود تا حق امور پرداخته نشود، مسئولیت و کار، تمام و کمال و خلاقانه انجام نگیرد و حق مطلب و مسئولیت اداء نگردد، خلاقیت و ایده‌پردازی هم شکل نگیرد. بنابراین با توجه به مطالب بالا انگیزه-های معنوی و درونی که در اسلام بر سه اصل ثواب، عقاب و محبت بنا شده محرک و شتاب‌دهنده قوی موتور خلاقیت است برخلاف انگیزه‌های معنوی؛ انگیزه‌های مادی و انگیزه‌های بیرونی از چنین توان و انرژی برخوردار نیستند زیرا انگیزه‌های بیرونی آن محرک‌هایی محیطی هستند که از جامعه به انسان القا می‌گردد و از تحولات و بحران‌های اجتماعی و سطح توقعات جامعه نشأت می‌گیرند. و انگیزه‌های مادی نیز که با پاداش و تنبیه و امتیازهای مادی و از یک واقعیت‌عینی مایه می‌گیرد، هرچند کاربرد خاص خود را دارد و برای پویایی و تحرک و ایجاد خلاقیت دارای نقش است اما هرگز نمی‌تواند انسان را به تلاش‌های طاقت فرسا و فداکاری‌های بزرگ که برای پیش‌برد اهداف مهم لازم است، وادار کند. (جمعی از علماء و دانشمندان، ۱۳۷۵ش: ص ۹۳).

چنانکه تحقیقات آمابیل نیز درباره موضوع انگیزه در خلاقیت و تقسیم انگیزه به درونی<sup>۱</sup> و بیرونی<sup>۲</sup>، علاوه بر اینکه منشأ تحقیقات دیگر شد، موید این مطلب هم است. و این تحقیقات آمابیل نشان داد که انگیزه درونی و ایمان به مراتب خلاقیت بیشتری را نسبت به انگیزه بیرونی موجب می‌شود. زیرا انگیزه درونی و باورها از علاقه شدید و درگیر شدن فرد به کار به دلیل حس کنجکاوی، شور و شوق یا حس و باورهای شخصی در به چالش کشیدن نشأت می‌گیرد. اما انگیزه بیرونی برخلاف انگیزه درونی میل دستیابی به اهداف برای خود، کار نیست، بلکه به منظور رسیدن به جایزه، پرکردن وقت یا برنده شدن در یک رقابت است. در آزمایش آمابیل، فردی که برای دریافت جایزه وارد ماز می‌شد، روشن‌ترین و کوتاه‌ترین راه را برای رسیدن به جایزه

نقش شفافیت اطلاعات در کاهش فساد اداری با رویکرد اسلامی

<sup>۱</sup>. Intrinsic Motive  
<sup>۲</sup>. Extrinsic Motive

طی می‌کرد؛ اما کسی که انگیزه درونی برخوردار بود، راه‌های مختلف و جای‌گزین نیز را می‌آزمود و از صرف زمان برای مسئله مورد نظر لذت می‌برد و در نتیجه، به راه‌های جدیدتر و مناسب‌تری غیر از راه اصلی و قبلا کشف شده می‌رسید. (علیگلی و ساجدی، ۱۳۹۴ش: ص ۶۴).

### نتیجه‌گیری

با توجه بررسی‌ها و تحلیل مباحث و دقت در مبانی نظری آنها، و نیز توجه به نظریه مهم انگیزشی که در باب خلاقیت وجود دارد و آن را به عنوان یک نوع توانایی درونی و نوعی نیروی انگیزشی درونی می‌داند، و از آن طرف نیز همان‌گونه که در یکی از تعاریف ایمان هم آمده بود و برخی از صاحب‌نظران در تعریف ایمان اشاره کرده بودند بر اینکه: ایمان به منزله نیروی درونی از نوع گرایش و شوق است که شخص را از درون به طرف هدف و تعالی سوق می‌دهد و او را وادار به حرکت به سوی مقصد می‌کند، به این نتیجه مهم در باب خلاقیت و ایمان می‌رسیم که توانایی خلاقیت به منزله نیروی درونی و معنوی، حداقل با ایمان و انگیزه‌های معنوی در یک نقطه مشخص تلاقی و همپوشانی و اتحاد کامل دارد که آن نقطه‌ی اتحاد و تلاقی؛ مشترک بودن هر دو (ایمان و خلاقیت) در درونی بودن است و اینکه هر دو از جنس میل و گرایش درونی و معنوی بوده و خاستگاه و سرچشمه هر دو نیرو، درون افراد و جایگاه هر دوی آن‌ها در درونی می‌باشد. که این خود نشان دهنده نقش و تأثیر ایمان و اعتقاد به عنوان یک نیروی پیشران و اثر گذار دورنی بر خلاقیت و دیگر توانایی‌هایی ذهنی افراد است و از رابطه و نقش مهم ایمان و انگیزه‌های معنوی در خلاقیت نیروی انسانی حکایت می‌کند.

### فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه: مکارم شیرازی و فولادوند.
۱. دشتی؛ محمد (۱۳۸۷)، ترجمه نهج البلاغه، قم، ناشر: انتشارات سادات رضوی.
  ۲. آریان‌پور کاشانی منوچهر (۱۳۸۰)، فرهنگ جامع پیشرو آریان‌پور، انگلیسی-فارسی.



۳. آقای فیشانی تیمور (۱۳۷۷)، خلاقیت و نوآوری در سازمان ها و انسان ها، تهران، ناشر: انتشارات ترمه، چاپ اول.
۴. آمابلی ترزا، (۱۳۶۸) شکوفایی خلاقیت کودکان، ترجمه: حسن قاسم زاده و پروین عظیمی، تهران، ناشر: انتشارات دنیای نو.
۵. ابوترابیان محمدرضا (۱۳۸۲)، پرورش نسل خلاق در ایران، تهران، انتشارات: موسسه فرهنگی مدرسه برهان، چاپ اول.
۶. ال ساعتی توماس (۱۳۸۶)، تفکر خلاق، حل مشکل و تصمیم گیری، ترجمه: مجید عزیزی - رضا نقدی، تهران، ناشر: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۷. پرکان حسین (۱۳۹۱)، پرورش خلاقیت در سازمان با نگاهی به متون اسلامی، ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. پیر خائفی علی رضا (۱۳۸۴) خلاقیت (مبانی و روش های پرورش)، چاپ اول، تهران، انتشارات: هزاره ققنوس.
۹. پیروز علی آقا و دیگران (۱۳۸۵)، مدیریت در اسلام، چاپ چهارم، قم، ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. جان بزرگی (۱۳۸۶)، جهت گیری مذهبی و سلامت روان، مجله پژوهش در پزشکی، دوره ۳۱، شماره ۴، ص ۱۴.
۱۱. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۵)، فرهنگ شیعه (کلام)، قم، ناشر: انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۵ ش. تهیه کنند: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، چاپ اول
۱۲. جمعی از علماء و دانشمندان (۱۳۷۵)، نگرشی بر مدیریت در اسلام (مجموعه مقالات ارائه شده در چهارمین سیمینار بین المللی مدیریت اسلامی)، تهران، ناشر: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ دوم.
۱۳. جوادیین سیدرضا (۱۳۹۳)، مدیریت رفتار سازمانی، تهران، ناشر: انتشارات نگاه دانش، چاپ چهارم.
۱۴. جهانی جعفر (۱۳۸۸)، پرورش خلاقیت از نظریه تا عمل، تهران، انتشارات: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول.
۱۵. دوبرین اندور. جی (۱۳۸۸)، مدیریت رفتار سازمانی بارویکرد روان شناسانه با تأکید بر کاربرد روانشناسی در اثر بخشی سازمان)، ترجمه: مراد کردی، میترا آفتاب آذری، تهران، ناشر: انتشارات صفار، اشراقی، چاپ دوم.

۱۶. دهخدا علی اکبر (۱۳۷۳)، فرهنگ دهخدا، بی جا .
۱۷. رایبیز استیفن (۱۳۶۹)، مبانی رفتار سازمانی، ترجمه: دکتر قاسم کبیری، تهران، ناشر: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول.
۱۸. رایبیز استیفن (۱۳۸۵)، تئوری سازمان (ساختار، طراحی و کاربردها)، ترجمه: سید مهدی الوانی - حسن دانایی فرد، تهران، انتشارات صفار اشراقی، چاپ چهاردهم.
۱۹. راغب اصفهانی حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت لبنان، ناشر: دار الشامیة، ۱۴۱۲ هـ. ق، محقق: صفوان عدنان داوودی.
۲۰. رستگار عباس علی (۱۳۸۹)، معنویت در سازمان، قم، ناشر: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ اول.
۲۱. رضائیان علی (۱۳۸۷)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، انتشارات سمت، چاپ یازدهم.
۲۲. رضائیان علی (۱۳۸۷)، مبانی مدیریت رفتار سازمانی، تهران، ناشر: انتشارات سمت، چاپ نهم.
۲۳. رضانی عباس (۱۳۸۸)، بررسی خلاقیت دانش آموزان با نگرش های فرزند پروری والدین در مدارس... پایان نامه ارشد، دانشگاه غیر حضوری ارومیه.
۲۴. رثو جان مارشال (۱۳۸۵)، انگیزش و هیجان، ترجمه: سید محمدی، یحیی، بی جا، چاپ هشتم، انتشارات: نشر ویرایش.
۲۵. سامخانیان محمدربیع (۱۳۸۱)، خلاقیت و نوآوری در سازمان و مدیریت آموزشی، بی جا، بی نا.
۲۶. سجادی سید جعفر (۱۳۷۳)، فرهنگ معارف اسلامی، چاپ سوم، تهران، ناشر: انتشارات کومش.
۲۷. سلطانی فلورا (۱۳۷۸)، نهادینه کردن نوآوری در سازمان، چاپ اول، تهران، انتشارات: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۲۸. شعاری نژاد علی اکبر (۱۳۹۰)، روان شناسی عمومی انسان، تهران، ناشر: انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
۲۹. صادقی مال امیری و دیگران، بررسی تاثیر تئوری های سازمان بر خلاقیت، دو ماهنامه‌ی توسعه‌ی انسانی پلیس، سال هفتم، شماره ۲۸، فروردین و اردیبهشت، ۱۳۸۹ ش.





۳۰. صداقت محمد عارف، شیوه های پرورش خلاقیت با تأکید بر دانش آموزان ابتدایی افغانستان، قم، چاپ اول، ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص)، ۱۳۹۵ش.

۳۱. طباطبایی محمدحسین(۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: موسوی، محمد باقر، قم، ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.

۳۲. طبرسی، حسن بن فضل(۱۳۹۲ه ق)، مکارم الاخلاق، الطبعة السادسة، لبنان، بیروت، ناشر: منشورات مؤسسه الاعلی للمطبوعات.

۳۳. علیگلی جعفر و ساجدی ابوالفضل (۱۳۹۳)، رشد خلاقیت و شاخص های آن در اسلام و روان شناسی، قم، ناشر: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ اول.

۳۴. کلینی محمد(۱۴۰۷)، اصول کافی، ۸جلدی، تهران، ناشر: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تصحیح: غفاری و آخوندی.

۳۵. گنجی حمزه(۱۳۸۵)، روان شناسی عمومی، چاپ ۳۴، تهران، ناشر: انتشارات ساوالان، چاپ سی و چهارم.

۳۶. گنجی حمزه(۱۳۸۳)، روان شناسی کار، تهران، ناشر: انتشارات نشر ساوالان، چاپ سوم.

۳۷. محمد بن مکرّم ابن منظور(۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت لبنان، چاپ سوم، انتشارات دار صادر، چاپ سوم.

۳۸. محمدی ری شهری محمد(۱۳۸۵)، دانش نامه عقاید اسلامی، قم، ناشر: انتشارات دار الحدیث، چاپ اول.

۳۹. مردان پور، ناصر(۱۳۸۷)، خلاقیت و نوآوری، قم، انتشارات زمزم هدایت، چاپ اول.

۴۰. مصباح یزدی محمد تقی(۱۳۸۰)، آموزش عقاید، دوره کامل سه جلدی، تهران، ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ پنجم.

۴۱. مطهری مرتضی(۱۳۹۳)، مقدمه بر جهان بینی اسلامی(۱) انسان و ایمان، تهران، ناشر: انتشارات صدرا، چاپ پنجاهم.

۴۲. منطقی مرتضی(۱۳۹۰)، کتاب کار شکوفایی خلاقیت جوان، تهران، چاپ اول، انتشارات جامعه شناسان، چاپ اول.



۴۳. میچل ترنس آر (۱۳۸۹)، مردم در سازمان ها، زمینه رفتار سازمانی، ترجمه: حسین شکر شکن، تهران، ناشر: انتشارات ثر، مرکز نشر و پخش کتاب های روان شناسی و تربیتی، چاپ چهارم.

۴۴. میکانی عباس (۱۳۸۹)، خلاقیت و تفکر (روان شناسی و آموزش و پرورش کودکان تیز هوش و خلاق)، تهران، ناشر: انتشارات آوای نور، چاپ اول.

۴۵. هوبر ژاویبی (۱۳۸۶)، راهنمایی موفقیت و شکوفایی فردی، مترجم، آذین حسین زاده، تهران، چاپ اول، انتشارات نشر قطره، چاپ اول.  
منابع لاتین:

۱. Britannica Encyclopedia ۲۰۰۸ edition
۲. <http://bavaryar.com>